

کارن آرمسترانگ

محمد^ص

پیامبری برای زمانه ما

ترجمه علیرضا رضایت



انتشارات حکمت
تهران، ۱۴۰۳

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Karen Armstrong,
Muhammad: A Prophet for Our Time
HarperOne, 2006.



انتشارات حکمت

سرشناسه: آرمسترانگ، کارن، ۱۹۴۴- م.، Armstrong, Karen

عنوان: محمد (ص)، پیامبری برای زمانه ما

نویسنده: کارن آرمسترانگ؛ مترجم: علیرضا رضایت

مشخصات نشر: تهران: حکمت، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ۲۱۰ ص، شابک: 978-964-244-174-7

عنوان اصلی: Muhammad: A Prophet for our Time, c2006

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت-۱۱ ق. -- سرگذشتنامه

موضوع: Muhammad, Prophet -- Biography

موضوع: اسلام -- تاریخ -- از آغاز تا ۱۱ ق.

موضوع: Islam -- History -- To 632

شناسه افزوده: رضایت، علیرضا، ۱۳۵۷- ، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ م ۳۷۲۷/۹۰ BP۲۲

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۹۳

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۴۵۰۰۷۹۸



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



انتشارات حکمت

نشانی دفتر و فروشگاه مرکزی: تهران، خیابان انقلاب، ابتدای ابوریحان، شماره ۹۴
کدپستی: ۱۳۱۵۶۹۴۱۶۵ • تلفن: ۶۶۴۶۱۲۹۲ / ۶۶۴۱۵۸۷۹ • نمابر: ۶۶۴۰۶۵۰۵
www.hekmat-ins.com | info@hekmat-ins.com
hekmatpub | 09394402251

محمد (ص): پیامبری برای زمانه ما
(با توجه به منابع اهل سنت)

کارن آرمسترانگ	نویسنده:
علیرضا رضایت	مترجم:
بخش ویرایش حکمت	ویراستار:
حسن کریم زاده	طراح جلد:
چهارم ۱۴۰۳ شمسی ■ ۱۴۴۶ قمری	نوبت چاپ:
۵۰۰ نسخه	شمارگان:
۹۷۸-۹۶۴-۲۴۴-۱۷۴-۷	شابک:
مؤسسه فرهنگی-هنری حکمت	حروفچینی و صفحه آرایی:

© (کلیه حقوق محفوظ و مخصوص انتشارات حکمت است)
تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه (از قبیل چاپ، فتوکپی، الکترونیکی، صوت و تصویر) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

۲۵۰۰۰۰ تومان



فهرست

۱۱	مقدمه
۱۹	۱. مکه
۴۷	۲. جاهلیت
۷۹	۳. هجرت
۱۰۹	۴. جهاد
۱۴۵	۵. سلام
۱۸۹	پی‌نوشت‌ها
۲۰۵	نمایه

مقدمه

تاریخ یک سنت دینی در واقع گفت‌وگوی دائمی بین حقیقت متعالی و رویدادهای جاری در ساحت مادی است. مؤمنان گذشته مقدس را به دقت می‌کاوند و به دنبال درس‌هایی اند که مستقیماً از شرایط و وضعیت زندگی آنها حکایت می‌کند. اغلب ادیان یک مقام تشریفاتی دارند و آن شخصی است که آرمان‌های دین را در قالب انسانی بیان می‌کند. بودایی‌ها با تأمل بر آرامش و سکوت بودا به واقعیتی متعالی به نام نیروانه می‌رسند، واقعیتی که هر یک از آنها از آن الهام می‌گیرد؛ مسیحیان در مسیح حضور و تجلی خداوند را به مثابه نیروی خیر و محبت در جهان می‌بینند. این شخصیت‌های پارادایمی در حقیقت در حکم چراغی اند که وضعیت غالباً تاریکی را که در آن اکثر ما در پی نجات در دنیای ناقص مان هستیم روشن می‌کنند. آنها به ما می‌گویند که انسان بودن چیست.

مسلمانان همواره متوجه این نکته بوده‌اند. متن مقدس ایشان، قرآن کریم، رسالتی به آنها داده که عبارت است از ایجاد جامعه‌ای عادل و متناسب که در آن احترام و حرمت همه افراد حفظ شود. خیر و صلاح امت اسلامی از لحاظ سیاسی موضوع مهمی بوده و هست. تحقق این امر، همچون هر آرمان دینی دیگری، تقریباً ناممکن است، اما مسلمانان پس از هر شکست کوشیده‌اند برخیزند و از نو آغاز کنند. بسیاری از مناسک،

فلسفه‌ها، آموزه‌ها، متون مقدس و حرم‌های اسلامی نتیجه تأملات انتقادی و نگرانی‌هایی است که اغلب نسبت به رویدادها و حوادث سیاسی در جامعه اسلامی وجود داشته است.

حیات پیامبر اسلام (ح. ۵۷۰-۶۳۲ م)، نقشی اساسی در شرح و بسط آرمان اسلامی تا به امروز داشته است. خط مشی زندگی ایشان دخل و تصرف اسرارآمیز خداوند در جهان را آشکار می‌سازد (به یک معنا، حیات پیامبر(ص) نوعی تجلی فعل اسرارآمیز حق تعالی در جهان است) و به‌وضوح تسلیم و سرسپاری کامل و مطلق را نشان می‌دهد که هر انسانی باید در برابر خداوند داشته باشد. مسلمانان از همان آغاز در دوران حیات پیامبر می‌بایست معنای حیات او را می‌فهمیدند و آن را سرلوحه زندگی خود قرار می‌دادند. اندکی پیش از یکصد سال پس از رحلت پیامبر، زمانی که مسلمانان قلمروها و سرزمین‌های بیشتری را فتح می‌کردند و روزبه‌روز عده بیشتری به اسلام می‌گرویدند، علمای اسلام اقدام به جمع‌آوری احادیث پیامبر و تدوین سنت او کردند که خود مبنای شریعت اسلام شد. سنت به مسلمانان یاد می‌داد به شیوه پیامبر سخن گویند، غذا خورند، محبت ورزند، طهارت گیرند و عبادت کنند، آن‌چنان‌که در ریزترین جزئیات زندگی روزمره‌شان حیات پیامبر را بازتولید یا تکرار می‌کردند، به این امید که بتوانند روزی به لحاظ درونی و قلبی همچون خود پیامبر کاملاً تسلیم و فرمانبردار مطلق حق تعالی گردند.

تقریباً در همین زمان در سده‌های اول و دوم هجری، نخستین مورخان مسلمان شروع به نگارش حیات پیامبر کردند: محمدبن اسحاق (م. ح. ۸۲۰)؛ محمدبن عمر واقدی (م. ح. ۸۲۰)؛ محمدبن سعد (م. ۸۴۵)؛ و ابوحریر طبری (م. ۹۲۳) از جمله این مورخان‌اند. این مورخان برای این کار نه تنها به حافظه و خاطره خود اعتماد می‌کردند، بلکه می‌کوشیدند وقایع تاریخی را عیناً بازسازی کنند. آنها در روایات خود اسناد متقدم را ذکر می‌کردند و به‌دنبال

احادیث شفاهی ای بودند که به منابع و اسناد اصلی باز می‌گشت و گرچه برای محمد (ص) به مثابه بنده خدا احترام قائل بودند، اما به او کمابیش دید انتقادی داشتند. در سایه تلاش‌های ایشان، ما اکنون در مورد حضرت محمد (ص) تقریباً بیش از هر بنیان‌گذار دیگر یک سنت دینی اطلاع داریم. رجوع به این منابع متقدم برای هر زندگینامه‌نویسی که در مورد پیامبر اسلام می‌نویسد ضروری است و من در صفحات متعدد کتاب حاضر همین کار را کرده‌ام.

آثار نخستین سیره‌نویسان حضرت محمد (ص) شاید مورخ امروزی را راضی نکند. آنها افراد زمانه خویش بودند و اغلب داستان‌های افسانه‌ای و اعجاز‌آمیزی نقل می‌کردند که امروزه ما آنها را به گونه‌ای دیگر تفسیر می‌کنیم. اما آنها از پیچیدگی موضوع مورد نظرشان آگاه بودند. آنها نظریه‌ای در مورد یک واقعه یا تفسیری از یک رویداد را به قیمت نظریه یا تفسیری دیگر تأیید نمی‌کردند. گاه دو روایت مختلف از یک واقعه را عیناً کنار هم می‌گذاشتند و ارزش یکسانی به هر دو گزارش می‌دادند، تا خوانندگان خود در مورد آن تصمیم بگیرند. آنها لزوماً همه احادیثی را که نقل می‌کردند قبول نداشتند، اما سعی می‌کردند تا آنجا که می‌توانند داستان یا روایتی از پیامبرشان را به درستی و با صداقت کامل نقل کنند. گزارش‌های آنها بی‌نقص نیست. واقعیت این است که ما در مورد اوایل حیات پیامبر اسلام پیش از آنکه وی در سن چهل سالگی بعثت خود را آشکار کند، چیز زیادی نمی‌دانیم. افسانه‌هایی از سر صدق و اخلاص درباره تولد پیامبر و دوران کودکی و نوجوانی وی نقل شده، اما اینها بیش از آنکه ارزش تاریخی داشته باشد، ارزش نمادین دارد.

افزون بر این، در مورد نخستین اقدامات سیاسی پیامبر در مکه نیز اطلاع چندانی نداریم. در آن زمان، او شخصیتی نسبتاً ناشناخته بود و هیچ‌کس فعالیت‌های او را جدی تلقی نمی‌کرد. منبع اصلی اطلاعات ما متن مقدسی است که برای عرب‌ها آورد. محمد (ص) به مدت بیست و سه سال از ۶۱۰ تا ۶۳۲ میلادی و تا زمان رحلتش مدعی بود که مستقیماً از خداوند به او وحی

می‌شود و این وحی در متنی جمع‌آوری شد که «قرآن» نام گرفت.^۱ البته این قرآن حاوی گزارش مستقیم حیات پیامبر نیست، بلکه جزء به جزء، سوره به سوره و آیه به آیه به تدریج به او نازل شد. آیات وحیانی گاه ناظر به وضعیت یا شرایط خاصی در مکه یا مدینه‌اند. خدا در قرآن به مخالفان پیامبر پاسخ می‌دهد؛ احتجاجات ایشان را بیان می‌کند؛ عمق معنای جهاد یا پیکار در درون امت اسلامی را گوشزد می‌کند. زمانی که آیه یا سوره‌ای جدید بر پیامبر نازل می‌شد مسلمانان آن را به خاطر می‌سپردند و آنها که سواد داشتند آن را می‌نگاشتند. اولین نسخه رسمی قرآن بیست سال پس از رحلت پیامبر (ص) و در حدود سال ۳۰ هجری تدوین شد.^۲

قرآن کلام مقدس خداست و حجیتش مطلق است. اما مسلمانان می‌دانند که تفسیر آن همواره آسان نیست. شریعت اسلام در ابتدا برای امتی کوچک تدوین شد، اما مسلمانان یک قرن بعد از رحلت پیامبر بر امپراتوری عظیم و گسترده‌ای حکم می‌راندند که از هیمالیا تا پیرنه امتداد داشت. شرایط آنها با شرایط پیامبر و مسلمانان اولیه کاملاً متفاوت بود و اسلام می‌بایست تغییر می‌کرد و خود را با شرایط جدید منطبق می‌ساخت. نخستین رسائل در تاریخ اسلام به بررسی پیچیدگی‌های موجود در آن دوره اختصاص داشت. چگونه مسلمانان اعمال و سخنان پیامبر را در زمانه خویش به کار می‌گرفتند؟ وقتی سیره‌نویسان داستان حیات آن حضرت را نقل می‌کردند، سعی می‌کردند برخی آیات و سوره‌های قرآن را با بازسازی فضای تاریخی‌ای که در آن وحی و الهام خاصی به پیامبر شده بود توضیح دهند. آنها با فهم آنچه یک آموزه مشخص قرآن ناظر به آن است، این آموزه را از راه قیاس با وضعیت خاص خود پیوند می‌دادند. مورخان و اندیشمندان آن زمان بر این باور بودند که آگاهی از

۱. نام «قرآن» عنوانی نیست که بعدها به وحی به پیامبر اطلاق شده باشد، بلکه از همان آغاز در خود آن وحی به کار رفته بود - ن.

۲. به روایت اهل سنت.

تلاش‌های پیامبر برای ابلاغ کلام وحی در قرن نخست هجری به آنها کمک می‌کند روح او را در خود حفظ کنند. ثبت و نگارش سیره پیامبر اسلام از همان آغاز هیچ‌گاه فعالیت‌ی زمانمند نبوده است (به این معنا که صرفاً به یک دوره تاریخی باستانی تعلق داشته باشد)؛ بلکه این روند امروزه نیز ادامه دارد. برخی بنیادگرایان مسلمان ایدئولوژی نظامی خود را بر حیات پیامبر استوار کرده‌اند. افراط‌گرایان مسلمان بر این باورند که او آنان را بخشوده و شرارت‌های ایشان را ستوده است. سایر مسمانان از این مدعیات بیزارند و به کثرت‌گرایی استثنایی (و مثال‌زدنی) در قرآن اشاره دارند که ظلم و شرارت را محکوم می‌کند و تمام ادیان آسمانی راستین را نازل‌شده از سوی خداوند می‌داند. اسلام‌هراسی در غرب سابقه‌ای طولانی دارد و به دوره جنگ‌های صلیبی بازمی‌گردد. در قرن دوازدهم میلادی راهب‌های مسیحی در اروپا تأکید داشتند که اسلام دین خشونت و شمشیر است و محمد (ص) شارلاتانی است که دین خود را با زور سرنیزه بر جهان غالب و تحمیل کرده است. آنها پیامبر را شهوت‌پرست و زن‌باره و فاسد می‌خواندند. این قرائت تحریف‌شده از حیات پیامبر به مسأله‌ای پذیرفته‌شده و بدیهی در غرب بدل شده بود و غربی‌ها هیچ‌گاه نتوانستند تصویری شفاف و منطبق با واقع از پیامبر اسلام در اختیار داشته باشند. از زمان انهدام مرکز تجارت جهانی در یازده سپتامبر ۲۰۰۱ اعضای جناح راست افراطی مسیحی در آمریکا و برخی رسانه‌های غربی این سنت خصمانه را ادامه دادند و مدعی‌اند که محمد (ص) ذاتاً فردی جنگ‌طلب بوده است. برخی تا آنجا پیش رفته‌اند که ادعا می‌کنند او یک تروریست و شاهدباز و غلام‌باره بوده است.

ما دیگر بیش از این نمی‌توانیم این میزان تعصب و خشک‌ مغزی را بپذیریم، چون این امر خود بهانه‌ای به‌دست افراطیونی خواهد داد که از این سخن‌ها برای به کرسی نشاندن این مسأله استفاده می‌کنند که جهان غرب آماده جنگ صلیبی جدیدی علیه جهان اسلام خواهد شد. محمد (ص) مرد خشونت نبود. ما باید دوران حیات او را با اعتدال بیشتری بررسی کنیم تا

دستاوردهای چشمگیر او را دریابیم. پروبال دادن به تعصب بی جا یقیناً به تساهل، آزادی و محبتی که به نظر از مشخصه‌های بارز فرهنگ غربی است لطمه خواهد زد.

من پانزده سال پیش، پس از آنکه آیت‌الله خمینی فتوایی مبنی بر محکومیت به مرگ سلمان رشدی به خاطر انتشار کتاب آیات شیطانی داد، درباره این موضوع متقاعد شدم (او در این کتاب تصویری کفرآمیز از محمد(ص) ارائه کرد). من از این فتوا ناراحت شدم و بر این باور بودم که رشدی حق دارد هر چه می‌خواهد منتشر کند، اما در عین حال، از برخی هواداران لیبرال رشدی نیز رنجیدم که به خاطر این فتوا خود اسلام را زیر سؤال بردند، در حالی که اسلام هیچ ربطی به این وقایع نداشت. دفاع از یک اصل لیبرالی از طریق احیای تعصبی قرون وسطایی کاری نادرست است. این موضوع نشان داد که ما از فاجعه دهه ۱۹۳۰ (که طی آن، یکی از نمونه‌های چنین تعصبی سبب شد هیتلر شش میلیون یهودی را به کام مرگ بفرستد) هیچ درسی نیاموخته‌ایم. اما من می‌دانم که بسیاری از غربی‌ها هیچ فرصتی برای بازنگری در تلقی خود از محمد(ص) نداشته‌اند. بنابراین، تصمیم گرفتم گزارشی از حیات وی بنویسم که این دیدگاه متضابطانه را به چالش بکشد و ضمناً برای اکثر مردم قابل فهم باشد. نتیجه این تصمیم، کتاب محمد: زندگی نامه پیامبر اسلام^۱ بود که در سال ۱۹۹۱ برای نخستین بار به چاپ رسید. اما با نظر به حادثه یازده سپتامبر باید به ابعاد دیگر حیات محمد(ص) نیز توجه کنیم. از این جهت، این کتاب، کتابی کاملاً جدید و متفاوت است که به نحو مستقیم‌تر از واقعیت‌های هولناک جهان پس از یازده سپتامبر سخن خواهد گفت.

۱. این کتاب با همین نام و با ترجمه کیانوش حشمتی از سوی انتشارات حکمت منتشر شده است - ن.

محمد(ص) به مثابه یک شخصیتِ الگو درس‌های مهمی نه تنها برای مسلمانان بلکه برای غربی‌ها نیز دارد. حیات او نوعی جهاد بود: همان‌طور که خواهیم دید، این کلمه به معنای مبارزه و پیکار نیست، بلکه به معنای تلاش و کوشش است. محمد(ص) دقیقاً نسیم صلحی بود که بر جزیره‌العرب خسته از جنگ و جدال وزید و ما امروزه به افرادی نیاز داریم که آماده ایفای چنین نقشی باشند. حیات او مبارزه‌ای خستگی‌ناپذیر علیه حرص و طمع، بی‌عدالتی و استکبار بود. او دریافت که جزیره‌العرب در نقطه عطفی قرار گرفته و شیوه تفکر سنتی دیگر پاسخگو نیست، از این‌رو تصمیم گرفت طرحی نو در اندازد. ما در یازده سپتامبر وارد دورانی دیگر از تاریخ شدیم و باید با همان شدت در ایجاد چشم‌اندازی نو و متفاوت بکوشیم.

حوادثی که در جزیره‌العرب قرن نخست هجری اتفاق افتاد واقعاً چیزهای زیادی درباره رویدادهای زمان حاضر و اهمیت بنیادین آنها به ما می‌آموزد، بسی بیش از نطق‌های کم‌مایه سیاست‌مداران. محمد(ص) در صدد تحمیل راست‌کیشی دینی به مردم نبود (و البته چندان علاقه‌ای نیز به فلسفه و متافزیک نداشت)، بلکه می‌خواست ذهن و ضمیر مردم را تغییر دهد. او روح غالب زمان خود را «جاهلیت» می‌نامید. مسلمانان معمولاً دوران پیش از اسلام در جزیره‌العرب را «عصر جاهلیت» می‌نامند. اما همان‌گونه که تحقیقات اخیر نشان می‌دهد، محمد(ص) اصطلاح جاهلیت را نه برای اشاره به یک دوره تاریخی، بلکه برای اشاره به ذهنیتی به کار می‌برد که موجب پیدایش خشونت و وحشت در قرن نخست هجری در جزیره‌العرب بود. من معتقدم که جاهلیت در غرب امروز نیز دقیقاً همانند جهان اسلام به‌وضوح وجود دارد.

محمد(ص) شخصیتی فرازمانی است، چون در دوران خود ریشه داشت. ما تنها در صورتی می‌توانیم این دستاورد را درک کنیم که بفهمیم که در برابر چه چیزی ایستاد. برای اینکه بدانیم او برای نجات ما از مخمصه‌ای که

گرفتار آنیم چه کمکی می تواند بکند، باید وارد دنیای اسفباری شویم که در حدود چهارده قرن پیش به پیامبری او تک و تنها در دامنه کوهی خارج از شهر مقدس مکه انجامید.